

درباره مجموعه داستان «بزرگ راه» طیبه گوهری

عشق و ملال

منیژه عبد‌اللی

داستان‌های مجموعه «بزرگ‌راه» میان توهم و واقعیت و در دو سطح جریان دارند؛ جریان مرگ و جریان زندگی. توهم مرگ و توهم زندگی، مرد نمکی که هزاران سال پیش مرده، همچنان حیاتی پرشور دارد، زیرا توان عاشق شدن دارد و مرده‌های زیر سطح آب زاینده‌رود زندگی پرتحرک دارند و از آن سو زنده‌های سطح آب و پیرهای خانه‌نشین و معشوقی که سالیان سال است عاشق خود را در فرودگاهی از دست داده، اما همچنان به انتظار می‌ماند و روی میز چوبی فرودگاه گذشت روزها را به‌عنوان چوب‌خط شیار می‌کشد و زنی ناتوان از زاییدن، جسم کودکی را که روحتش در درون مادر واقعی‌اش جامانده، با خود می‌کشد و آن دیدگری، بچه‌ای را که خود نزاییده است به دندان می‌کشد. مردی در بستر مرگ با شور و شفع به عشق کهن بازمی‌گردد و مراسم مرگ خود را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد تا محبوب بر او بگذرد و گویی به این‌وسیله می‌خواهد جان دوباره‌ای بیابد و عشقی که در دیوانه‌خانه‌ای پا می‌گیرد که خود دنباله عشقی دیوانه و رسوا بوده است و در آغاز قوی و پرخون «چون پلنگ نفس می‌کشد» ولی همان‌جا و در همان دیوانه‌خانه می‌میرد، چون سوسک سم خورده. و این‌ها همه تأکیدی است بر جابه‌جایی مرگ و زندگی و عشق و ملال در این مجموعه. مجموعه‌ای گیرا که با خوانش‌های متفاوت، رنگ‌های متفاوت می‌گیرد و همه شایسته تحسین. از نظر شیوه نوشتار طیبه گوهری در این مجموعه تکنیک‌های نثرنویسی را به خوبی به کار گرفته است. توضیح آنکه اگر بتوانیم نثر نوشته یا داستان را به سه دسته: نثر مزاحم و پرداعا که خواننده را به سستلاخل می‌اندازد و نثر راحت و بی‌هیچ زحمتی از کنار آن می‌گذرد و حضور آن را حس نمی‌کند و دسته سوم نثری که حضوری کمک‌دهنده و پیش‌پرده دارد تقسیم کنیم، نثر خامر گوهری در کتاب «بزرگ‌راه» از نوع سوم است و شایسته تحسین.

در چندین نمونه موفق از این مجموعه به‌ویژه داستان نخست (هر چیزی به موقع) و داستان آخر (بزرگ‌راه) نویسنده به گونه‌ای خاص از بن‌مایه بیش و کم مدرنیستی «میهمانی» استفاده کرده و کوشیده است افراد مختلف (و در داستان بزرگ‌راه از لایه‌های مختلف جامعه) را در کنار هم قرار داده و رفتار آنها را در مواجهه با یک رویداد کانونی انعکاس دهد. این شیوه داستان‌پردازی، هم جذاب است و هم امکانات مختلفی را در اختیار نویسنده قرار می‌دهد اما در عین حال شیوه‌ای لغزان است و بیم آن می‌رود که گاه به جای شخصیت‌پردازی، تیپ‌سازی صورت گیرد و به جای آنکه شخصیت‌ها و آدم‌هایی با استعدادهای کرداری گوناگون در داستان ظاهر شوند، ردیفی از تیپ‌های آشنا با کلی‌گویی‌های رایج در صحنه داستان ظاهر شوند. از دیدگاه تکنیک‌های داستان‌نویسی، می‌توان گفت در این مجموعه گاه و بی‌گاه نشانه‌هایی استعاره‌ها، نمودی آشکار دارند و به گونه‌ای خاص مکالماتی هستند. در داستان‌های امروز تصویر و تصور هوا و فضای برقی و سرد برای نشان دادن بربری با مثلا پیدا شدن کلید زنگ‌زده قدیمی و سکه کهنه و برقی انداختن آن و زدودن غبار از روی برگ‌های سبز گلدان که استعاره‌هایی از زندگی جدید پیش‌روست دیگر چندان خلاقانه نمی‌نماید. امیدوارم، بلکه اطمینان دارم در نوشته‌های بعدی خانم گوهری جلوه‌هایی خلاق‌تر از این گونه نشانه‌نمایی‌ها و رمزگذاری‌ها بیابیم، زیرا نشانه‌های بسیاری بر این این امیدواری در داستان‌های ایشان وجود دارد.

درد دل‌های غیررسمی

سرخی گوش پدر بزرگ



هوشنگ مرادی کرمانی

روزه‌ها دستش به کار نمی‌رفت. درخت‌ها را نگاه می‌کرد و آه می‌کشید. رزش گفت: «سفرای می‌اندازیم و ارباب تازه را دعوت می‌کنیم، شرمه‌نماید شود. ما را نگه می‌دارد.» زن به سختی گوشت و مرغی فراهم کرد و ارباب زن و بچه‌اش را بر سفره نشاند. ارباب دست بر نان تازه و گرم برد و تکه‌ای کند و خواست در کاسه ماست فرو کند. کودک باغبان حاضر بود، از پشت شانه پدر گفت: «بابا، این‌همان ارباب گوش‌دراز است که گفتی می‌خواهد نان ما را ببرد» «ا ارباب آب شد و بر زمین رفت. زن ارباب از سفره خواست و قاشق از کودک گرفت و سرخ‌پخت باغبان باغ را رد کرد و سبزه‌ای را به او داد. دیگری را بیاورد. باغبان شستش خبردار شده بود و افتاده بود به هول و ولا. شب‌ها خوابش نمی‌برد و روزها دستش به کار نمی‌رفت. درخت‌ها را نگاه می‌کرد و آه می‌کشید. رزش گفت: «سفرای می‌اندازیم و ارباب تازه را دعوت می‌کنیم، شرمه‌نماید شود. ما را نگه می‌دارد.» زن به سختی گوشت و مرغی فراهم کرد و ارباب زن و بچه‌اش را بر سفره نشاند. ارباب دست بر نان تازه و گرم برد و تکه‌ای کند و خواست در کاسه ماست فرو کند. کودک باغبان حاضر بود، از پشت شانه پدر گفت: «بابا، این‌همان ارباب گوش‌دراز است که گفتی می‌خواهد نان ما را ببرد» «ا ارباب آب شد و بر زمین رفت. زن ارباب از سفره خواست و قاشق از کودک گرفت و سرخ‌پخت باغبان باغ را پس‌گردنی کودک خود را نواخت. زن باغبان چنگ بر لپ کشید و از حال رفت. قصه دوم، پدر بزرگ قصه اول را تعریف می‌کرد و می‌گفت: «هرچیزی را نباید جلوی بچه گفت.» سر و ریشش را می‌جنباند و از روی یختمگی و تجربه می‌گفت: «اگر بچه‌ای سفیدی دندان کسی را دید، می‌خواهد سرخی‌پشت گوش او را هم ببیند.» منظورش این بود اگر کودکی خنده و خوش‌ویش پدر و مادر و بزرگ‌تری را دید پررو می‌شود گوش او را می‌گیرد، می‌کشد، تا می‌کند و می‌خواهد سرخی‌پشت او را هم ببیند. من چهار پنج‌ساله بودم. بواش رفتم پشتش و دیدم پس گوش او اصلا سرخ نیست. دو تا رگ کلفت است و یک برآمدگی و رنگش مثل جاهای دیگر است. من که بارها سفیدی تند و برق دندان‌های مصنوعی او را دیده بودم، نتوانستم سرخی‌پشت گوشش را ببینیم. سال‌ها سرخی هندوانه و آلبالو و انار را دیدم، گل سرخ را دیدم و نوک پرندهای که نمی‌شناختم، و سرخ بود؛ اما سرخی پشت گوش او را ندیدم. بعدها که بزرگ شدم فهمیدم پدر بزرگ و مادر بزرگ نمی‌خواستند نوه‌شان را که احتمالا نویسنده می‌شود، واژه‌های رشت و ریک را یاد بگیرد. اگرچه تا امروز هم نتوانستم چیزی جایگزین سرخی‌پشت گوش او بکنم. بگذریم... هنوز هم یادنگرفته‌ام که واژه‌های مرگ و اعتیاد و طلاق و یتیمی و گرسنگی و جنگ و بی‌عدالتی و تعصب و خشونت را، که کودکان در گوشه و کنار دنیا آنها را لمس می‌کنند و شب‌ها بد می‌خوانند، چگونه به کار برم که دنیای زیبا و رنگین و خیال‌های خوش آنان را نسوزانم. تا کجا پیش بروم، چقدر، چه اندازه بگویم. بگویم یا نگویم؟ نویسنده‌ها و شاعران چگونه دنیای لطیف کودکان و نوجوانان را تصویر کنند، چگونه؟

پی‌نوشت: هوشنگ مرادی کرمانی که سال‌هاست کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد پیام‌بالا را به مناسبت روز جهانی کودک نوشته‌است.

روی خط

اختتامیه سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران

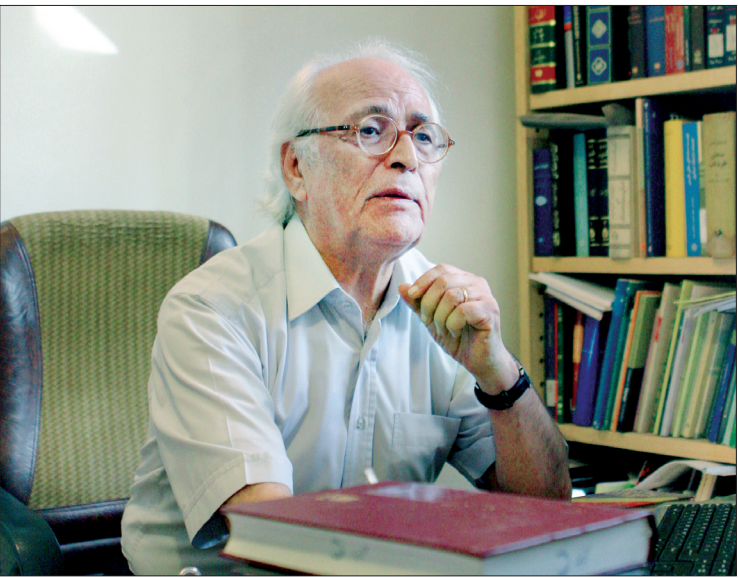
ایسنا: هیات‌اداران سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران برگزیدگان این سمپوزیوم را معرفی کرد. نفر اول: اسیسور،نالدی از ایتالیا با جایزه ۳۵۰۰ دلار و یک لوح تقدیر، نفر دوم: کارلوس روبرتو مونگه‌سانچز از مکزیک با جایزه سه‌هزار دلار و یک لوح تقدیر و نفر سوم: حمزه حیدری فر با جایزه ۲۵۰۰ دلار و یک لوح تقدیر. در اختتامیه این سمپوزیوم اثر سه نفر از مجسمه‌سازان شرکت کننده در این مسابقه، شایسته تقدیر دانسته شد؛ دبیمتروان سربین از ایتالیا، خوزه کابلومیلان از اسپانیا و کیان سیهوا از چین برگزیدگان این بخش، جایزه یک‌هزار دلار و لوح تقدیر خود را دریافت کردند. هیات‌اداران این سمپوزیوم شامل حمید شالاس از ایران، علی جبارحسین از دانمارک و جان گونگارشیلواو از گرجستان بود.

فرهنگستان

پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۳ □ شماره ۱۴۹۵

گفت‌وگو با ضیاء موحد در باره «ارتجاع ادبی» در ساختار ادبیات معاصر

ادبیات اصل ثابت ندارد



شهاب حسینی در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۲

مهدی وزیربانی

پروسه متافیزیکی که در لغت و فرآیند کار سردآن وجود دارد انعطاف سیالیت متن را می‌تواند در شعاع وسیعی دربر داشته باشد. اینکه چگونه می‌توان ساختار زبان و بیانی در مقوله ادبیات را دوباره واکاوی کرد از زمره مسائلی است که در یافت «ارتجاع ادبی» می‌توان به آن پرداخت و در این وجه فرآیند کاربردی کلمات و معنا د چار دگرگونی محسوسی می‌شود که می‌تواند کلیت یافت ادبی یک جامعه را دربر بگیرد. اینکه بازگشت ادبی به معنای واقعی کلمه تا چه اندازه می‌تواند کاربرد ساختاری داشته باشد خودش مساله‌ای است که باید با وسواس بسیار به آن پرداخت. ضیاء موحد از شاعران و متفکران نام‌آشنای ادبیات ایران در باره وجود ارتجاع ادبی و کارکرد آن چه از وجه منفی و چه در شمایل مثبت آن پیش‌تر مقالات و گفت‌وگوهای متعددی را نوشته و انجام داده است که البته با حواشی بسیاری همراه بوده و واکنش بسیاری از اهالی ادبیات را به همراه داشته است. موحد که پیش‌تر به عنوان یکی از ۱۰۰ شاعر برتر جهان در سال ۱۳۸۴ معرفی شده بود میزبان ما بود تا در این گپ و گفت به زوایای دیگری از مقوله ارتجاع ادبی بپردازیم و آن را واکاوی کنیم. این گپ و گفت اینک پیش‌روی شماست.

دقیق است. معتمد ادبیات دو گونه متحول می‌شود: یکی از بیرون و دیگری از درون. دگرگونی از بیرون تأثیری است که از ادبیات کشوریهای دیگر گرفته می‌شود. تمام شاعران کشوریهای چنین حکمی صادر کرده‌ا در ادبیات هیچ اصل ثابتی نداریم. این موضوع را در کتاب «دیروز و امروز شعر فارسی» در یک مقاله عنوان کرده و از نظریه دیودسپون برای تأیید حرف خود بهره برده‌ام.

■ مادر ادبیات مان برای مثال می‌بینیم یک نفر زبان را خوب نمی‌شناسد، ساختار مسیقای

زبان را به خوبی درک نمی‌کند و برای ترمیم آن به بازگشت ادبی دست می‌زند. آیا این نوع رجعت هم نوعی از ارتجاع ادبی محسوب می‌شود؟

ما همیشه باید به گذشته رجوع کنیم و به ذخیره عظیمی که در گذشته داریم، بازگردیم. من همیشه گفته‌ام اگر کسی بسیاری از شعرهای موفق نیمایی را بخواند متوجه می‌شود که شعر متصل به سنت است. می‌توانم در این مورد بسیاری از شعرهایی را مثال بزنم که بر زمینه سنت نشسته‌اند اما آنچنان ظریف بر زمینه سنت نشسته‌اند که به چشم نمی‌آیند. به هر حال من خود بزرگ‌شده سنت هستم، بنابراین هر فرمی را هم انتخاب کنم در نهایت در آن فرم، زبان فارسی و ساختار حرف اول را می‌زند.

■ ما از صدسال پیش مدام در حال گفت‌وگو و درونی با ادبیات غرب بوده‌ایم؛ مکتب‌های فکری، اجتماعی و هنری غرب و انگار غرق در یک هم‌عصری و هم‌زمانی ناخوسته. آیا این رویکرد را می‌توان وجهی دیگر از ارتجاع دانست؟

اگر منظور شما را درست فهمیده باشم معنای این موضوع اصلا ارتجاع نیست بلکه به آن باید تقلید گفت؛ تقلیدی سطحی، نه عمقی. این مساله‌ای که در حالا می‌خواهم بیان کنم خیلی

خبرچین

شهاب حسینی که او را با بازی در فیلم‌های سینمایی می‌شناسیم اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کرده و منتظر اکران آن است. او به این بهانه به ایسنا رفته و درباره فیلمش صحبت کرده است؛ فیلمی که نقش اصلی‌اش را هم خودش بازی کرده است. او آرزو دارد مردم آن را ببینند و دوست داشته باشند. کارگردان فیلم «ساکن طبقه وسط»، درباره فیلمسازی‌اش گفته است: «تجربه‌های خوبی در دنیا اتفاق افتاده است. باز یگرانی بوده‌اند که به کارگردانی روی آورده و اتفاقا کارگردان‌های خوبی

گروه **ادب و هنر** : روز ۱۵ مهرماه تولد سهراب سپهری است و مراسم و آثار هنری کشورها ی اسلامی، هند و بونهامز لندن در شب تولد این شاعر و نقاش ایرانی برگزار شد و

رکودرشنکی اثر سهراب سپهری همراه بود. حراج آثار هنری خاورمیانه و هند با ارائه آثاری از هنرمندان کشورهای ایران، مصر، عراق، سوریه، لبنان، سودان، الجزایر، ترکیه، مراکش، هند و پاکستان برگزار شد. در این میان ایران با حضور ۴۲ اثر از هنرمند از دیگر کشورها حضور پررنگ‌تری داشت. در این حراج پراسان گمانه‌های خراج گذاران که دو اثر سهراب سپهری و حسین زند رودی را

به‌عنوان رکودردار این دوره از حراج پیش‌بینی کرده بودند، اثر سهراب سپهری با قیمت ۱۴۶ هزار و ۵۰۰ یورو، رکودردار کل حراج این دوره شد. این در حالی بود که ایمن بعلبکی هنرمند لبنانی که رقب اصلی آثار هنرمندان ایرانی بود، نتوانست در جایگاهی بهتر از سوم ی ایستد و فرانسیس نیوتن اسوزا از بخت با فروش ۱۲۲ هزار و ۵۰۰ یوری در جایگاه دوم ایستاد. پس از این سه اثر حسین زند رودی با فروش ۹۸ هزار و ۵۰۰ یورو، فرهاد مشیری با ۷۲ هزار و ۶۰۰ یورو و محمد اصصایی با ۶۸ هزار و ۵۰۰ یورو در جایگاه‌های بعدی ایستادند.

ادب و هنر

گفت‌وگو با ضیاء موحد در باره «ارتجاع ادبی» در ساختار ادبیات معاصر

ادبیات اصل ثابت ندارد

بحران زندگی شاعری چون اخوان را به میان بکشند. تفاوت بازگشت ادبی اخوان ثالث را با شاملو چطور از زبانی می‌کنید؟

این مساله مصداق تناقض نیست. ما نمی‌توانیم از یک شاعر توقع داشته باشیم که همیشه در اوج خلاقیت باشد. اخوان ثالث در دوره‌ای یا به دلیل ضعف جسم یا به دلایل مختلف اصولا ضعیف شده، اما همان مقدار کاری که کرده برای اخوان ماندنش کافی است. او از شاعران بزرگ ماست. سیمین بهبهانی حرف بسیار جالبی درباره اخوان زده بود و گفته بود که او به سیم آخر زده است. به نظر من اخوان در «نو را ی کهن بوم و بر دوست دارم» زده بود به سیم آخر؛ یعنی دیگر دست از شعر نو گفتن برداشت. کم‌اینکه این موضوع در مورد چند چهره دیگر نیز که نمی‌خواهم اسم ببرم، مصداق دارد. وقتی یک هنرمند دیگر نتواند بنویسد، فکر می‌کند که تمام شده و این مساله خیلی مهمی است. به همین دلیل هنر مقوله بسیار خطرناکی است. وقتی پرنده بفهمد نمی‌تواند آواز بدهد پیوند حالتی پیدا می‌کند؟ تصویر پرندهای را در نظر بگیرید که درون قفس است و با آوازش زنده است. اما وقتی باد به میله‌های قفس می‌وزد در واقع صدای باد و میله‌ها باعث می‌شود صدای پرنده شنیده نشود و باید گفت که: «آه ای پرنده بگذار، را باده‌ها تو را بسرائند؟» یعنی آنجا پرنده دیگر خاموش است.

■ گرایش بسیاری از شعرای امروز ما به سوسی مضامین گسترده و مشکل‌های طولانی از نوع شعر روایی بلند و منظومه است. آیا این نیاز ادبیات شعر ما مشکلی دیگر از بازگشت ادبی است؟

شما هر مساله‌ای را نمی‌توانید در مفهوم بازگشت بگنجانید. البته همه شاعران آرزو دارند شعر بلند بنویسند. «امیلی دیکسون» که می‌گویند خواهر شکسپیر و شاعر بزرگی است همه شعرهایش کوتاه است. شاعر بزرگ بودن به این معنا نیست که شعر بلند بنویسید. مساله دیگر در شعر بلند این است که قواعدش با شعر کوتاه مختلف است. در شعر کوتاه عواطف در زمان کوتاهی بیان می‌شود و می‌تواند یکنواخت و منسجم باشد اما در شعر بلند، حفظ جوهر شعری کار ساده‌ای نیست. همچنین واژگانی که در شعر کوتاه به کار می‌روند خیلی محدودتر از واژگانی هستند که در شعر بلند به کار می‌روند. «اگر آلن پو، می‌گوید اصلا شعر بلند وجود ندارد و اعتقاد دارد شعر بلند شعرهای کوتاهی است که پشت سر هم نهاده شده‌اند. ازرا پاوند در مورد کانتوهایش می‌گوید من اینها را به دنبال هم چسباندم و دقیقا لغت چسباندن و وصله کردن را به کار می‌برد و این در جایی است که بسیاری معتقدند این شعر از مهم‌ترین شعرهای قرن بیستم است. ما هم شعر بلند در ادبیات لازم داریم و هم شعر کوتاه. این بستگی دارد به شاعر. زبان فارسی آنجا ننشسته است که برایش شعر کوتاه یا شعر بلند بگویند، زبان فارسی شعر خوب می‌خواهد.

■ مادر این باره صحبت کردیم که ارتجاع ادبی یعنی اینکه شاعر شکل گذشته را بپذیرد و اگر این دیدگاه را بپذیریم ملک الشعرای بهار شاعر مرتجعی به حساب می‌آید و نیما یوشیج این‌که به صراحت آزادی را خواسته باشد، معترضی اجتماعی و تاریخی به معنای مطلق کلمه است. این دستگاہ ارتجاع را چطور از زبانی می‌کنید؟

نگوید مرتجع، این لغت، لغت بسیار بدی است. مرتجع شمردن شخصیت کسی می‌تواند بارهای دیگری به همراه خودش داشته باشد؛ مثل بار سیاسی. در شعر نمی‌توان به راحتی از کلمه مرتجع استفاده کرد. بهار در زمان خودش شاعر تراز اولی است. البته او بسیار محافظه کار و سنتی است اما نیما شاعری انقلابی.

شهاب حسینی از تجربه نخستین کارگردانی اش می‌گوید

کار کردن روی مزرعه کوچک



شود دچار بی‌خوابی شود و هر روز با انرژی کافی سر صحنه برود، بسیار کم است، بنابراین اگر صرفا بخواهم

خاطره بازی با «سربداران»

گروه ادب و هنر: یکی از سربال‌های موفق تلویزیونی ایران در سال‌های دهه ۶۰ سربال «سربداران» است. سربالی که توانست مخاطب‌های بسیاری را جذب خودش کند و این روزها بیشتر به یک خاطره دور در ذهن آدم‌های آن دهه شبیه است. بازی‌های امین تارخ،علی‌بیستد و فرانسیس نیوتن اسوزا از تسلیمی مثال‌زدنی است. محمدعلی نجفی، کارگردانی این سربال و کیهان رهگذار، نویسنده‌ی مشاور کارگردانی آن را بر عهده داشتند. نجفی درباره این سربال گفته سخت‌ترین صحنه‌ای‌را که در این سربال کارگردانی کرده‌شده‌های محکم حذف شد.»



هستم. بهانه من تاریخ است. آن زمان همه شیخ حسن رادکر درند. فاطمه رادکر یک فاطمه تمثیلی از توده‌های مردم بود؛ مردمی که برای بقای خودشان مبارزه می‌کنند. مبارزه می‌کنند برای اینکه انسان باشند و زیر بار زور نزنود و همه اینها به مخاطب منتقل شد. هرچند که بعضی از صحنه‌ها حذف شد.»

خط دم



■ فرهیختگان:

رکود اخراجی‌ها زده شد. این جمله‌ای است که در صفحه «شهر موشها ۲۲» نوشته

شد. علی‌سرتیپی اعلام کرد فروش این فیلم از مرز هشت میلیارد گذشته است.

منیژه حکمت درباره این اتفاق نوشته:

«شیرینی این اتفاق، یعنی برپبینده‌ترین فیلم سینمایی، توسط تک تک مردم خلق شده و ما این فیلم را تقدیم به تمام مردم سرزمین‌مان ایران می‌کنیم.»

■ فرهیختگان: دو نمایشگاه تجسمی از عکس‌ها و پوسترهایی در حوزه تئاتر عروسکی در نگارخانه‌های «زمستان» و «میرمیران» خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود. در نگارخانه «زمستان» پوسترهاوعکس‌های جشنواره نمایش گذاشته می‌شود

و همزمان با این نمایشگاه مجموعه عکس‌هایی از عمیدجلیلی شامل عکس‌هایی از

نمایش عروسکی «خانه مادر بزرگ» در نگارخانه میرمیران افتتاح خواهد شد. افتتاحیه این دو نمایشگاه ساعت ۱۷ پنجشنبه، ۱۷ مهرماه در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

■ ایسنا: زیگفرید لنتس «نویسنده برجسته آلمانی در ۸۸ سالگی درگذشت و این خبر با واکنش «کوتنر کراس» شاعر

و رمان‌نویس برنده نوبل همراه شد. زیگفرید لنتس از نویسندگان حاضر اهمیت دوران پس از جنگ‌های جهانی آلمان

بود که خبر رسید در هامبورگ دیده‌از جهان فروپشته است. کوتنر گراس چهره پرحاشیه ادبیات آلمان نیز پس از انتشار خبر درگذشت لنتس، در مصاحبه‌ای گفت: «لنتس‌یوای بزرگ با حال و هوای روشنگری بود، بنابراین من همیشه برای او و کار ادبی‌اش احترام قائل بودم.»

■ فرهیختگان: نمایش «هفت پرده» با تجلیل از مقام هنری زنده‌یاد اکبر رادی از دوشنبه ۲۱ مهرماه به کارگردانی میکائیل شهرستانی در تالار چاروسو دقیقه و قیمت بلیت ۱۵ هزار تومان در تالار چاروسو مجموعه تئاتر شهر پذیرای علاقه‌مندان تئاتر است.

■ مهر: ۱۵ درصد از فیلمبرداری «شیفت شب» به کارگردانی نیکی کریمی با مدیریت فیلمبرداری علیرضا برازنده در تهران انجام شده است. نیکی کریمی چهارمین فیلم سینمایی خود با نام «شیفت شب» از پس از «یک



شب»، «چند روز بعد» و «سوت پایان» کارگردانی می‌کند. این فیلم سینمایی یک درام اجتماعی است و نامی از اختلاف بین زن و شوهر را که ناشی از یک سوءتفاهم است، بیان می‌کند. محمدرضا فروتن و ایلا زارع از جمله بازیگران محوری این فیلم سینمایی هستند و نیکی کریمی خودش در صحنه‌هایی از این فیلم سینمایی بازی می‌کند.

■ هنرانلین: هفته هنر معاصر آسیا (ACAW) که در نیویورک برگزار می‌شود در این دوره معرفی فرح اصولی از نقاشان مطرح ایران را در قالب یک نمایش انفرادی در دستور کار خود قرار داده است که از ۹ اکتبر (۱۷ مهر) در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.

■ آنا: اسکارلت جوهانسن در سربال تلویزیونی کوتاهی براساس رمان سال ۱۹۱۳ ادیت وارتن با عنوان «رسوم شهرستانی» (The Custom of the Country) نقش اصلی را برعهده خواهد داشت. ادیت وارتن نویسنده آمریکایی بیشتر به واسطه رمان «عصر بیگانه‌ی» «برنده جایزه پولیتزر شهرت دارد، رمانی که به فارسی ترجمه و منتشر شده و مارتین اسکورسزی در سال ۱۹۹۳ فیلمی براساس آن ساخته است.

■ فرهیختگان: سلسله برنامه‌های مروری بر آثار لوریس چکنارویان در قالب برنامه‌ای با سخنرانی مجید سرسنگی، هوشنگ کامکار

و خسرو سینایی در تالار استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود.

مروری بر آثار لوریس چکنارویان پنجشنبه ۱۷ مهر از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در تالار استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.